

منشور جهانی حقوق بشر سند احترام به آزادی انسان است

فرهنگ قاسمی



یکشنبه ۶ تیر ۱۳۸۹ - ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰

منشور جهانی حقوق بشر که میثاق انتظام جهان مدرن و سند استوار احترام به آزادی انسان است در سر لوحه مبارزات اجتماعی امروز مردم ایران قرار گرفته است.

این بینش، با برداشت‌ها و باورهای دینمداران، معتقدین به یک مشی سیاسی، و وطن پرستان مابینت دارد. مدرنیسم همان آزادی، عدالت، استقلال، دموکراسی، حاکمیت ملی و ترقیخواهی است. در دنیای مدرن احترام به انسان در مرکز همه‌ی فعل و انفعالات جامعه قرار دارد و واقعیت ملموس انسان زمینی جانشین متافیزیک و بهشت و جهنم می‌گردد و باورهای دینی فقط در حد امر خصوصی باقی میماند.

تمام کسانی که از این اصول دفاع و برای استقرارش نبرد کرده‌اند افراد روشن بین، مترقی و مدرن و علیه تبعیض بوده‌اند که به گواهی تاریخ مورد احترام مردم ایران هستند، نماد نا پنهان این جهان بینی، روشنفکر بی مدعا، دولتمرد روشن ضمیر و مدیر برجسته محمد مصدق است. در صف مقابل، جبهه ضد آزادی و ضد حقوق انسانی قرار دارد که عقب‌گرا، تبعیض‌منش و دشمن مدرنیته است و شامل طرز تفکر حزب توده، بخشی از فداییان اکثریت، و بخشی از کسانی که از جنبش سبز طرفداری می‌کنند و همینطور سمبل سلطنت‌طلبان، رضا پهلوی که حلقه سبز به دست می‌اندازد و داریوش همایون که تحلیل‌هایش به ناگاه سبز میشوند، می‌گردد. این رفتار را اگر فقط به حساب فرصت‌طلبی بگذاریم بی‌تردید از واقعیت فاصله گرفته ایم. اینان عوامل بالقوه و بازیگران این جبهه هستند. اگر این تحلیل را بپذیریم، موضع ما نسبت به کل رژیم جمهوری اسلامی اعم از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان روشن می‌گردد.

در جامعه ایران نمی‌توان از کنار این آنتاگونیسم که همواره سد راه پیشرفت بوده است به سادگی گذشت. آیا پیدا کردن پاسخ به این پرسش که کدام جبهه از نظر چندی بر دیگری برتری دارد امر مشکلی به نظر می‌رسد؟ البته که نه! جبهه دوم همواره بر اولی بالا دست بوده است

متاسفانه گروهی که در راه آزادی و حقوق انسانی گام بر میدارند هنوز از نظر کمی و در اقلیت قرار دارند. برای ترقی و دمکراسی و استقلال و آزادی و حاکمیت ملت باید در اندیشه تقویت جبهه اول بود. اما باید ابراز رضایت کرد و حتی شاد بود که مبارزه برای حقوق و آزادی های مندرج در منشور جهانی حقوق بشر امروز از محافل روشنفکری و نخبه گرا به میان توده ها راه یافته است و هر روز به صف طرفداران حقوق بشر در ایران و برای مردم ایران در جهان اضافه میشود. پیامد ناگزیر این آرمانخواهی انسانی جز حرکت جامعه ما را به سوی مدرنیته نمیتواند باشد.

از آنجا که سابقه تجاوز به حق انسان در هیچ زمانی به اندازه دوران نظام جمهوری اسلامی سهمگین نبوده است و این حقوق هر لحظه در ایران توسط حاکمیت اسلامی پایمال میشوند افشا بی وقفه آن باید در برنامه هر روز ما قرار گیرد.

در روزهای اخیر، نمایندگان ۵۶ کشور جهان در شورای حقوق بشر سازمان ملل با امضای بیانیه ای از دولت ایران خواستند تا در مورد کشتار ها و سرکوب اعتراضات خیابانی پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری تحقیق کند.

با این حال نماینده ایران در شورای حقوق بشر که این نشست جهانی را با جلسه مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی در تهران اشتباه گرفته بود با هوجی گری و ابراز اغتشاش سعی کرد مانع بیانات نمایندگان سایر ممالک شود که موفق نشد.

کشورهای امضا کننده بیانیه به "سرکوب خشونت آمیز مخالفان، بازداشت ها و اعدام هایی که بدون طی مراحل قانونی انجام شده اند، تبعیض شدید علیه زنان و اقلیت ها از جمله بهائیان، و محدود کردن آزادی بیان و مذهب" در ایران اعتراض کردند.

این امر لازم و مفید اما کافی نیست، زیرا در نظامی که نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، خانم نرگس محمدی در تاریخ بیستم خرداد ماه ۱۳۸۹ ساعت ۱۲ بعد از نیمه شب در مقابل چشمان اشک بار پسر و دختر دو قلو سه ساله اش بازداشت میشود و رئیس آن مجبور به ترک کشورش میگردد دامنه تجاوز به حقوق بشر در به تمامی سطوح و شئون جامعه گسترش یافته است.

پس شایسته است تا همهء مبارزان سیاسی از هر طرز فکر و اندیشه ای در این روزها در هر شهر و کشوری صدای هموطنان محروم از آزادی و حقوق انسانی، صدای زندانیان سیاسی، صدای سندیکالیست های مبارز، زنان رزمنده، جوانان محروم، فعالان عقیدتی و حزبی و قومی که در زندانهای ایران زیر ضرب و شتم و شکنجه قرار دارند، صدای استادان دانشگاه، نویسندگان، قانون دانان، هنرمندان و شاعران و کارگران و

برزگران زحمتکش ایران را به گوش جهانیان برسانند. از زمانی که احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری رسید رژیم غیر انسانی جمهوری اسلامی جلوی هرگونه آزادی را بیش از پیش گرفته، دامنه زورگویی و تجاوز به آزادی و حقوق انسانی خود را چندین مرتبه گسترش داده، اعدام زندانیان سیاسی برای رژیم کنونی امری طبیعی و قابل دفاع شده و زندانی‌کردن زنان و مردان مبارز، سندیکالیست‌ها، جوانان، بستن سایتهای اینترنتی امری عادی گردیده و بالاخره خفقان و تجاوز به حقوق مردم در همهء سطوح در ایران از حد و نصاب گذشته است.

در جستار زیر سعی شده است تنها به موارد موضوعی این تجاوزات پرداخته شود چرا که اگر بخواهیم به موارد عینی هر موضوع بپردازیم باید کتاب‌ها نوشت. همه‌ی رسانه‌ها درباره موارد نقض حقوق بشر، هر روز مطالب گوناگونی منتشر می‌کنند که با اسناد و مدارک از پشتوانه واقعی و غیرقابل انکار برخوردارند. این نوشته به عنوان یک وسیله افشایی علیه رژیم حاکم بر ایران در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

۲۱ مورد موضوعی لغو حقوق بشر در ایران

۱- در ایران حقوق بشر جرم است
واژه حقوق بشر در ایران واژه‌ای ممنوع و غیرقابل استفاده است. در ایران هر کسی از حقوق بشر سخن بگوید مجرم شناخته شده نوکر خارجی قلمداد می‌شود یا به دادگاه‌های فرمایشی جمهوری اسلامی احضار شده و یا مستقیماً به زندان انداخته می‌شود. استفاده از واژه حقوق بشر باید مشروط به هویت‌های اسلامی باشد.

نهادهای بین‌المللی حقوق بشری در ایران حق فعالیت ندارد و هرگونه اقدامی در این عرصه باید از طریق مقامات دولتی و بوسیله دست نشانده‌های آنها انجام گیرد.

کسی حق ندارد از حقوق بشر دفاع کرده و یا عضو عفو بین‌الملل، فدراسیون جهانی حقوق بشر، و دیگر سازمانهای طرفدار حقوق بشر باشد.

صحبت از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، صحبت از کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپائی یا نزدیک شدن به این نهادها برای مطرح کردن وضعیت ضدبشری در ایران گناهی بزرگ بوده و عاملین این اقدام آزادی و جان خود را به مخاطره می‌اندازند.

گزارشات عفو بین‌الملل، دفتر جهانی و دفتر اروپائی حقوق بشر و دیگر نهادهای حقوق بشری جهان در مورد ایران منفی بوده و حاکی از

نقض مداوم حقوق بشر در رژیم جمهوری می‌باشد. مردم ایران حق ندارند اصول و موازین منشور جهانی حقوق بشر را مطالبه کنند. این اصول و موازین که حاصل مبارزات آزادیخواهان جهان است در ایران حق انتشار و توزیع ندارند. کنوانسیون‌های حقوق بشر چه بصورت مطرح‌شده در نشست‌های جهانی و چه بصورت آنچه که در اتحادیه اروپائی آمده است برای جمهوری اسلامی ارزش و اعتباری ندارد.

در ایران هیچ چشم‌انداز مثبتی از آزادی‌ها و حقوق بشر دیده نمی‌شود. برعکس این رژیم نماد اشکار نقض تمامی موازین انسانی شهروندان است. رژیم ایران خطر بزرگی برای صلح و آزادی در جهان محسوب می‌شود.

۲- تروریسم دولتی

جمهوری اسلامی ایران یک رژیم مذهبی - نظامی می‌باشد که از عقب‌مانده‌ترین قشرهای جامعه برای بقای خود سوءاستفاده میکند. تروریسم دولتی در ایران بسیار فعال است. این تروریسم در داخل و در خارج بطور عمده عمل کرده و مخالفان خود را از بین می‌برد. هیچ شهروند ایرانی حق اعتراض به این تروریسم را ندارد.

۳- حق انتقاد

در جامعه ایران شهروندان حق اعتراض و مخالفت مدنی ندارند و هرگونه تجاوز از سوی رژیم به حقوق مردم باید با اطاعت آنها همراه باشد.

انتقاد به نظام جمهوری اسلامی، به دولت، به رئیس‌جمهور به وزراء و یا دیگر مقامات دولتی به هیچ‌وجه قابل تحمل نیست، حتی اعضای پارلمان جمهوری اسلامی نیز حق ندارند بطور آزاد نسبت به این مقامات اعتراض کنند. مجلس جمهوری اسلامی ایران که باید از جمله نقش نظارت به امور مملکت و سؤال از مسئولین دولتی را داشته باشد، هیچ‌گاه نتوانسته است به این وظیفه خود عمل کند. پارلمان جمهوری اسلامی نمایشی و اعضای آن دست‌نشانندگان رژیم هستند.

۴- ضرب و شتم، شکنجه و کشتار مخالفین

جمهوری اسلامی ایران در تداوم سیاست اختناق و ضدانسانی خود هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی را در بدترین شرایط و در وحشتناک‌ترین زندان‌ها، به زنجیر کشیده است. سخت‌ترین و مخوف‌ترین نوع شکنجه‌ها نسبت به زندانیان سیاسی ایران اعمال می‌شود. فعالان سیاسی، دگراندیشان، محققین، استادان دانشگاه، زنان و مردانی که کوچکترین مخالفتی با اندیشه مذهبی حاکم بر ایران داشته باشند و یا در رفتار روزمره آن گونه عمل نمی‌کنند که رژیم می‌خواهد، بوسیله عاملان جمهوری اسلامی دستگیر شده زیر شکنجه و آزارهای جسمی و روحی قرار می‌گیرند.

۵- سندیکاهای کارگری

رهبران سندیکائی که تقاضایی جز بهبود وضع زندگی کارگران را ندارند و تنها خواهان آزادی هستند تا بتوانند مطالبات درجه اول حرفه‌ای خود، به مانند بیمه بیکاری، حق اعتصاب، حق اظهار نظر و .. را به اطلاع کارفرمایان خصوصی و یا عمدتاً دولتی برسانند، بدنبال حمله وحشیانه مأموران جمهوری اسلامی به دفتر سندیکا و غارت آن و ضرب و شتم آنان در زندان بسر می‌برند. علیرغم همه فشارها و تهدیدات و دستگیری‌ها جنبش سندیکائی در بسیاری از شهرستانها گسترش یافته است. امروز زندانهای ایران پر از سندیکالیستها و رهبران انجمن‌های کارگری است.

۶- سازمانهای سیاسی

همه سازمانهای سیاسی قلع و قمع شده‌اند، حق فعالیت آشکار و یا مخفی ندارند. حق اظهار نظر درباره مسائل سیاسی را ندارند، حق عضوگیری، جمع‌شدن را ندارند، حق تشکیل کنگره یا اجلاسهای متعارف و یا پلنوم ندارند. رهبران آنها حق خروج از کشور و حرکت آزاد در داخل کشور را ندارند، حق داشتن سخنگو از احزاب سلب شده است و در بهترین شرایط سخنگویان آنها اگر ترور نشوند، اگر در خانه‌اشان به فجیع‌ترین شکل به قتل نرسند، اگر در خیابانها زیر ماشین نروند، اگر دزدیده و کشته نشوند و در بیابانها رها نگردند... زندانی شده و دهان آنها را می‌بندند.

۷- سیستم قضائی و حق وکالت

سیستم قضائی ایران که برپایه قوانین اسلامی بنیاد گذارده شده است، نه تنها مبنا و اساس حقوق قضائی مرسوم در کشورهای جهان را محترم نمی‌شمرد، بلکه اصلاً در جهت رفورم سیستم قضائی که یکی از دلمشغولی‌های جوامع متمدن است کوچکترین گامی بر نمی‌دارد و قانون خود را براساس قوانین و سنتهای قرون وسطائی به مردم اعمال میکند. دادگاه‌های ایران از هیچگونه موازین معمول بین‌المللی برخوردار نمی‌باشند. احکام متهمین قبل از حضور در دادگاه معین می‌گردد. وکالت در ایران باید تحت تعاریف با هویت خاص جمهوری اسلامی باشد، فعالان سیاسی، مخالفان، دگراندیشان، کسانی که مورد تهمت قرار گرفته‌اند، کسانی که به زندان افتاده‌اند، نمیتوانند در شرایط آزاد از حقوق خود دفاع کنند. زندانیان سیاسی و عقیدتی قادر نیستند از وکیل مدافع معمولی و آزاد برخوردار باشند. بهترین وکلای ایران بجای دفاع از حقوق متهمین در زندانهای جمهوری اسلامی بسر برده در خطر مرگ هستند.

آوردن شاهد در دادگاه‌ها از موارد بسیار نادر است. کمتر فردی پیدا میشود که از ترس ترور و ضرب و شتم رژیم و از ترس جان خود حاضر به

شهادت در دادگاه‌های سلامی باشد.

۸- آزادی بیان

حق بیان و اظهار نظر، نگاشتن مقالات در شرائط آزاد، گردهمایی و گفتگو، بحث آزاد، اعلام تظاهرات، شرکت در تظاهرات و انتقاد به مسائل، اعتصاب در مدرسه، دانشگاه، کارخانه و ادارات دولتی و خصوصی به شدیدترین وجه سرکوب می‌شود. مردم ایران به هیچوجه قادر به استفاده از حقوق شهروندی خود نیستند.

۹- حریم خصوصی شهروندان

در جمهوری اسلامی حریم خصوصی افراد و خانواده‌ها مورد احترام نیست. مقامات دولتی و سپاه پاسداران هر وقت که بخواهند وارد منزل و آپارتمان و محل کار شهروندان می‌شوند و انسانها حق ندارند حتی در محل زندگی و کار خود از آزادی فردی برخوردار باشند.

۱۰- حقوق کودکان و نوجوانان

حقوق کودکان و نوجوانان به هیچوجه در جمهوری اسلامی رعایت نمی‌شود. کودکان از سنین بسیار پائین برای تأمین معاش مجبور به کارکردن هستند. براساس یک گزارش فقط در شهر همدان حدود ۳۶ هزار کودک از سنین ۸ سالگی برای امرار معاش کارهای بدنی می‌کنند. کنوانسیون حقوق بشر در مورد کودکان در ایران هر روز زیر پا گذارده می‌شود. کودکان آلت تبلیغات ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی قرار میگیرند. مغز آنها شستشو می‌شود و رشد تربیتی طبیعی از آنها کلاً گرفته شده است.

۱۱- حقوق زنان

زنان که بیش از ۵۰ درصد نیروی فعال ایران را تشکیل میدهند، از حقوق یک انسان عادی بهره‌مند نیستند. تمامی آزادی " زن بودن " در ایران بوسیله شریعت و اسلام و جمهوری اسلامی پایمال میشود و زنان حق ندارند حتی در مورد آن بخشی از اصول اسلامی که مربوط به " زن اسلامی " می‌شود، اظهار نظر نمایند. حقوق اسلامی و غیر اسلامی زنان بوسیله آخوندها و آیتالهای جمهوری اسلامی تعیین شده و میشود. سازمانهای مستقل زنان در ایران وجود واقعی و آزاد ندارند. هرچه تحت عنوان سازمان زنان فعالیت میکنند، مجبورند موازین و نظراتی را دنبال و اجراء کنند که دولت جمهوری اسلامی و قوانین سنتی اسلامی به آنها دیکته کرده و میکند. بسیاری از زنان مبارز و آزادیخواه در زندانهای ایران اسیرند و به وحشیانه‌ترین وضعی مورد تجاوز قرار میگیرند.

زنان ایرانی حق ندارند با سازمانهای زنان جهانی ارتباط داشته باشند و یا خود را عضو یا فعال آن جوامع معرفی نمایند. هیچگونه چشم‌انداز مثبتی برای آزادی و حقوق زنان ایران وجود ندارد و آنچه به چشم میخورد جز فرورفتن در تاریکترین چاههای ارتجاع مذهبی

نیست.

۱۲- جوانان

ایران از جمله معدود کشورهایی است که جوانانش برای زندگی کردن آزاد و معمولی بزرگترین رنجها را متحمل میشوند. از آنجا که جوانان از آزادی‌های طبیعی برخوردار نیستند، بهر قیمتی شده ایران را ترک کرده و به عنوان مهاجر رسمی و غیر رسمی به سایر کشورهای جهان فرار میکنند و این جلای وطن به هیچوجه جنبه اقتصادی نداشته و فقط برای برخورداری از آزادی است. به همین علت تعداد مهاجرین در دوران جمهوری اسلامی در تاریخ ایران بی‌سابقه می‌باشد.

۱۳- سنگسار

عمل وحشیانه سنگسار که برخاسته از غرایز وحشیانه و عقب‌گرایانه و خشک مغزی مذهبی می‌باشد، بنا بر احکام دادگاه‌های اسلامی انجام می‌شود و این مردم نیستند که به انداختن سنگ‌ها به سوی محکومین اقدام میکنند، بلکه عاملین و مأمورین رژیم جمهوری اسلامی به این کار دست می‌زنند تا این سنت انسان‌ستیز را به عنوان نهادی زنده نگهدارند.

۱۴- حکم اعدام

حکم اعدام که در بسیاری از کشورهای مترقی لغو شده است هنوز در ایران معمول و مرسوم است و روزی نیست که مخالفینی عقیدتی و مدافعین آزادی بطور انفرادی یا دسته‌جمعی اعدام نشوند. اگر برای جمهوری اسلامی کشتار یهودیان و سوزاندن آنها در کوره‌ها مورد تأیید نیست، شاید یکی از دلایلش این باشد که جمهوری اسلامی از نادر رژیمهایی است که اعدام‌های دسته‌جمعی را درباره فعالین سیاسی و عقیدتی بکار برده است و آنها را در قبرستان‌های دسته‌جمعی به خاک سپرده است.

۱۵- اقوام و اقلیت‌ها

اقوام و اقلیت‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی حق ابراز نظر و عمل کردن به سنن و موازین خود را ندارند. جمهوری اسلامی اقوام ایرانی را با فشار و کشتارهای دسته‌جمعی مجبور به اطاعت از حکومت مرکزی نموده با هرگونه تبلیغات فرهنگی، مذهبی و عقیدتی که برپایه اصول اسلامی نباشد، به شدت مخالف بوده و آنها را سرکوب و مرعوب می‌کند. زردشتیان، یهودیها، بهائی‌ها و حتی اهل تسنن از حقوق شهروندی مساوی در رابطه با مسلمانان شیعه بهره‌مند نیستند. در جمهوری اسلامی مجازات بی‌دین بودن، نداشتن اعتقاد به بهشت و جهنم تا مرحله مرگ پیش می‌رود.

۱۶- آموزش و فرهنگ

استفاده از علوم و آموزش و فرهنگ و دانشگاه و مدرسه حق همه نیست و وابستگان به رژیم جمهوری اسلامی و کسانی که اسلامی و یا اسلامی‌تر

هستند از حقوق ویژه‌ای برخوردارند. استادان دانشگاه باید اسلامی باشند. آنها باید درسها و علوم فنی و نظری خود را در قالب و بسته بندی‌های اسلامی به دانشجویان عرضه کنند. هر روز اخبار تازه‌ای از کنار گذاردن و استادان دانشگاه انتشار می‌یابد. حتی مسئولینی که در وزارت علوم سالها برای برقراری رژیم کار می‌کردند و عاملین تبلیغات در راه اهداف جمهوری اسلامی بودند امروز بوسیله رئیس‌جمهور وقت کنار گذارده می‌شوند.

۱۷- خلاقیت و آزادی شغلی

خلاقیت و آزادی شغلی در ایران تحت موازین و کنترل شدید جمهوری اسلامی قرار دارد و حق خلاقیت و اکتشاف و آزادی حرفه‌ای و هنر در ایران مورد تحدید می‌باشد.

بازرگانان و صاحبان شرکتها و صنایع نمی‌توانند بطور آزادانه در حرکت اقتصادی و تولیدی قرار گرفته و از تازه‌های تولیدی و اقتصادی و گسترش صنعتی متعارف بطور عادی و طبیعی استفاده نمایند. هرگونه اقدامی در این مورد نیاز به اجازه ویژه مقامات دولتی دارد و این مقامات بنا به مصالح خود و سیاست کلی اسلامی جامعه تولید و اقتصاد و صنعت را جهت می‌دهند.

۱۸- هنرمندان و ورزشکاران

هنرمندان که یکی از سرمایه‌های مهم فرهنگی محسوب می‌شوند حق فعالیت آزاد ندارند. آفرینش‌های آنها باید طبق موازین اسلامی باشد. در ایران شاعران، نویسندگان، نقاشان، فیلم‌سازان و هنرمندان تئاتر، مجسمه‌سازان و ... آزادی بیان و آزادی آفرینش ندارند. ورزشکاران و مربیان ورزشی مجبورند براساس سیاست دولتی جمهوری اسلامی رفتار کنند، حتی ورزش در ایران آزاد نیست، مربیان ورزشی حق بیان و اظهار نظر در امور فنی ورزشی را ندارند و رژیم کوچکترین عمل آنها را تحت نظارت و جهت‌گیریهای اسلامی قرار داده است.

۱۹- الیگارش

سیاست، اقتصاد و منابع انسانی ایران را الیگارش آخوندها و آقا زاده‌ها، مداحان اداره می‌کند. قائل‌شدن حق و امتیاز ویژه برای عده‌ای که وابسته به رژیم هستند و در باند جمهوری اسلامی عمل میکنند از مسائل بسیار پیش پا افتاده است. پست و امتیاز و منصب با ویژگی‌ها و لیاقت و کردانی ارزیابی نشده، بلکه تنها دلیل رسیدن به مسئولیت همانا اسلامی بودن و یا تظاهر به مسلمانی و قبول رهبری آن و سرفروود آوردن در مقابل دستگاه عظیم مذهبی است که بر ایران حکومت می‌کند.

۲۰- اتباع خارجی

حقوق اتباع خارجی و مهاجرین در ایران محترم شمرده نمی‌شود و هر

خارجی که به ایران می‌رود مجبور است خود را از نظر ظاهر تحت شرایط اعمال شده در ایران در آورد و از حقوق بین‌المللی مهاجرت یا اقامت در ایران به نوعی که در کشورهای جهان مرسوم است برخوردار نیست. خبرنگاران و پژوهشگران و ایران‌شناسان نمی‌توانند بطور آزاد در مورد مسائل ایران اظهار نظر نمایند. هرگونه موضع‌گیری که خلاف اصول تحمیلی جمهوری اسلامی باشد، باعث به زندان انداختن حتی کشتن و یا اخراج از ایران می‌شود و در مراحل بعدی به این افراد اجازه ورود به ایران داده نمی‌شود.

۲۱- آثار باستانی

ایران یکی از مراکز تمدن جهان است. آثار باستانی که باید جزئی از سرمایه ملی محسوب شود، بوسیله آخوندها و دست‌اندرکاران آنها به خارج از کشور انتقال یافته و به قیمت‌های بسیار گران به فروش رفته و می‌رود. تخت‌جمشید که یک پدیده تمدن جهانی می‌باشد به بهانه اینکه بوسیله شاهان ساخته شده است نه تنها مورد حفاظت قرار نمی‌گیرد، بلکه هر روز به دلیلی بخشی از آن ویران می‌شود. سایر آثار باستانی از وضعیت بهتری برخوردار نیستند. بسیاری از آثار باستانی اصفهان، شیراز، خراسان، کرمان و ... به نابودی کشیده شده است.

۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ پاریس